

قواعد حقوق بین الملل

در راستای بهره برداری از منابع نفتی در مناطق دریایی

(تاریخ دریافت ۱۴۰۱/۰۷/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۱/۱۲/۱۸)

دکتر محسن سیرغانی^۱

استادیار و عضو هیات علمی گروه حقوق دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

رضا جلیلیان

مدرس دانشگاه دانشجوی دکتری حقوق بین الملل دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

چکیده

منابع نفتی به عنوان مهمترین منبع انرژی دارای سهم ۹۷ درصدی در صنعت حمل و نقل، سهم ۳۳ درصدی در بخش صنعت و سهم ۶ درصدی در صنعت تولید برق جهان است و بدین واسطه بهره برداری از میادین نفتی از اهمیت بسیار بالایی در حقوق بین الملل به شمار می رود. حقوق بین الملل دارای چارچوب حقوقی در خصوص بهره برداری از میادین مشترک نفتی است. اگرچه تمام ابعاد و وجوه این چارچوب روشن نبوده و ابهاماتی در این زمینه وجود دارد، لیکن معاهدات دو جانبه و رویه دولتها و پاره ای از احکام مقرر در برخی از معاهدات چند جانبه مبین وجود یک قاعده عرفی مبنی بر همکاری در این خصوص است. قاعده ای که در کلیت خود شامل توسعه مشترک و یکی سازی این منابع می گردد، اما لزوماً منجر به این دو شق نمی شود. به دیگر سخن، قاعده عرفی موجود متضمن همکاری دولتها و منع بهره برداری یک جانبه است ولی شکل خاصی از همکاری را پیش بینی نمی کند. کاهش ذخایر نفتی در خشکی و پیشرفت تکنولوژی، موجب تمرکز بسیاری از کشورها بر منابع واقع در مناطق دریایی شده است. در بسیاری از مناطق جهان دولت ها دارای اختلاف در تعریف مناطق دریایی بوده و

^۱ نویسنده مسئول

به عبارتی تحدید حدود دریایی صورت نگرفته است و به تبع آن نحوه بهره برداری از میادین نفتی در این مناطق و همچنین منابع نفت و گاز فرامرزی ممکن است موجب تشدید اختلافات شود. در نتیجه، این سؤال مطرح می شود که قواعد حقوق بین الملل در راستای بهره برداری از منابع نفتی در مناطق دریایی بر چه مبنایی استوار است. در پژوهش حاضر قصد داریم به پاسخ به سوال مطروحه پردازیم و ابعاد حقوقی موضوع مذکور را مورد مذاقه قرار دهیم. روش تحقیق از نوع تحلیلی-توصیفی بوده و ابزار گردآوری داده ها فیش برداری می باشد.

واژگان کلیدی: منابع نفتی، مناطق دریایی، حقوق دریاها، مخازن دریایی، حقوق بین الملل دریاها، نفت و گاز

بخش اول: بررسی و شناخت مناطق دریایی

به پیروی از منطق کنوانسیونهای بین المللی حقوق دریاها، در این مقام به تعریف و تبیین مفاهیم دریایی می پردازیم.

بند اول: تعریف مناطق دریایی

مقصود از مناطق دریایی همان طبقه بندی مرسوم در حقوق بین الملل دریاها یعنی آبهای داخلی، دریای سرزمینی، منطقه مجاور، منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره است. الف) آب های داخلی^۱

آبهای داخلی مطابق ماده (۵۱) کنوانسیون دریای سرزمینی و ماده ۸ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها آبهایی هستند که پشت خط مبدأ دریای سرزمینی و سایر مناطق دریایی قرار دارند. بنابراین آبهای متصل به دریا از قبیل خلیجهای کوچک، آبگیرها و بنادر و آبهای پشت خطوط مبدأ مستقیم جزء آبهای داخلی می باشند^۲. آبهای داخلی تحت حاکمیت کامل دولت ساحلی می باشند زیرا جزئی از مملکت دولت ساحلی می باشند و بنابراین مقررات مفصلی در معاهدات بین المللی برای آنها وضع نشده است. این حاکمیت کامل باعث می شود که حق

^۱ - Internal Waters-National Waters.

^۲ - رابین چرچیل، آلن لو، حقوق بین الملل دریاها، ترجمه دکتر بهمن آقایی، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۳، ص ۸۳

عبور بی ضرر کشتی ها در این منطقه وجود نداشته باشد و تنها استثنای موجود برای حق عبور بی ضرر مطابق ماده (۵۲) کنوانسیون دریای سرزمینی و ماده (۸۲) کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، ناظر به موقعیت هایی است که خطوط مبدأ مستقیم در امتداد ساحل مضرس کشیده شده باشد و مناطقی را که قبلاً جز آبهای داخلی نبوده تبدیل به آبهای داخلی کرده باشد. بنابراین می توان گفت حاکمیت دولت ها بر کلیه منابع زیرزمینی موجود در پشت خط مبدأ دریای سرزمینی حاکمیت انحصاری بوده و تابع مقررات ملی دولت ها می باشد.

(ب) دریای سرزمینی^۱

از نظر لغوی علاوه بر دریای سرزمینی برای تعریف یک منطقه دریایی، از اصطلاح آبهای سرزمینی^۲ نیز استفاده می شود ولی اصطلاح اخیر تا حدودی باعث سردرگمی است، زیرا باعث شمول این منطقه به آبهای داخلی نیز می شود و در واقع تعریف دریای سرزمینی را مشمول قانونگذاری ملی و نه بین المللی قرار می دهد. از اینرو، در لسان محققان و معاهدات بین المللی از واژه دریای سرزمینی استفاده می شود.^۳ تولد مفهوم دریای سرزمینی ریشه در قرن هفدهم دارد که معیارهایی چون افق دید در یک روز معمولی،^۴ و برد یک گلوله توپ از ساحل، برای اندازه گیری آن به کار گرفته شد. معیار برد توپ به تدریج در برخی کشورهای غرب و شمال اروپا پذیرفته شد و از قرن نوزدهم در کنار این معیار، معیار سه مایل دریایی نیز توسط برخی دولت ها پذیرفته شد.^۵ به طور کلی می توان گفت که تا قرن بیستم کشورها دارای رویه واحد نبوده و معیارهای تیررس توپ، سه مایل، چهار مایل، نظریه شناسایی منطقه مجاور برای دریای سرزمینی، دوازده مایل، شش مایل و بیش از دوازده مایل و حتی ۲۰۰ مایل توسط دولت ها در مناطق مختلف جهان اعلام شده است. در کنفرانس اول و دوم حقوق دریاها در سالهای ۱۹۵۹ و ۱۹۶۰ نیز در زمینه تعیین عرض دریای سرزمینی توفیقی حاصل

^۱ - Territorial sea.

^۲ - Territorial waters.

^۳ - Ian Brownlie, principles of international law, fifth edition, Clarendon press. Oxford, ۱۹۹۸, P.۱۷۸.

^۴ - Vision on affair day.

^۵ - Brownlie, op.cit, p. ۱۸۶.

نگرید.^۱ در ماده ۳ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها نظریه ۱۲ مایل دریایی برای تعریف عرض دریای سرزمینی پیش بینی شده است. بنابراین برای اعضای این کنوانسیون همین مبنا حاکم می باشد و برای کشورهای غیر عضو کنوانسیون در صورتی که بین خودشان توافق وجود داشته باشد، معیار پذیرفته شده توسط آنان ملاک خواهد بود.^۲ از این رو در تعریف مفهوم دریای سرزمینی می توان گفت دریای سرزمینی نواری از دریا در مجاورت ساحل است که دولت ساحلی در آن دارای حاکمیت کامل است و کشتی های خارجی فقط دارای حق عبور بی ضرر هستند.^۳ مبنای ترسیم عرض دریای سرزمینی خط مبدأ^۴ می باشد که عبارتست از خطی که از آن عرض دریای سرزمینی و سایر مناطق ساحلی دولت ها اندازه گیری می شود و خود منقسم به خط مبدأ عادی و خط مبدأ مستقیم می گردد. خط مبدأ عادی برای سواحل صاف و بدون دندانه به کار می رود و در پایین ترین نقطه جزر ساحل ترسیم می گردد و خط مبدأ مستقیم برای سواحل دندانه دار کاربرد دارد و خطی است که در امتداد پیشرفته ترین نقاط این دندانه ها ترسیم می گردد.^۵ به سخن دیگر خط مبدأ مرز بین آبهای داخلی و دریای سرزمینی بوده و از خط مبدأ به سمت ساحل در محدوده آبهای داخلی و به سمت دریا در قلمرو آبهای سرزمینی قرار می گیرد. قواعد مربوط به خط مبدأ در مواد ۳ تا ۱۱ و ۱۳ کنوانسیون ۱۹۵۸ و مواد ۴ تا ۱۴ و ۱۶ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها گنجانده شده است. با توجه به مراتب فوق می توان گفت ممکن است دولتی دارای دریای سرزمینی ۱۲ مایلی، سه مایلی یا ۶ مایلی باشد که این امر از حیث عضویت یا عدم عضویت دولت ها در کنوانسیون ۱۹۸۲ متفاوت است، اما قدر متیقن آن است که در صورت عدم ادعا و اعلام منطقه انحصاری اقتصادی و منطقه مجاور، کل محدوده ماورای دریای سرزمینی دولت ساحلی دریای آزاد محسوب می شود. همانطور که

۱- رابین چرچیل، پیشین، صص ۱۱۱-۱۰۹.

۲- همان.

۳- رابرت بلدسو- بوسچک، فرهنگ حقوق بین الملل، ترجمه دکتر بهمن آقایی، تهران، گنج دانش، ۱۳۷، ص ۳۴۳.

۴- Base Line.

۵- Rene-Jean Dupuy – Daniel Vignes, A Handbook of The New Law of the sea, ۱۹۹۹, Martinus Nijhoff Publisher, V.۲, p.۱۰۳۴ – see also: Myron H. Horl Quist and Satya N. Nondan. Shabtai Resenne, United Nations Convention on the law of the Sea,, Martinus Nijhoff publisher, ۱۹۸۵, pp.۵۱-۵۲.

گذشت حق دولت خارجی در دریای سرزمینی دولت ها، محدود به حق عبور بی ضرر کشتی هاست و از جهات دیگر از جمله حاکمیت بر منابع، این منطقه تحت حاکمیت دولت ساحلی است.

بخش دوم: مفاهیم حقوقی مربوط به توسعه میادین مشترک نفتی بین کشورها در عرصه بین الملل

بهره برداری از میادین مشترک نفت و گاز در نظامهای حقوقی ملی مختلف، مستلزم تعریف ساز و کار مناسب حقوقی است. این ساز و کار که اساس انعقاد قراردادهای نفتی است، در قالب قوانین موضوعه، دستور العمل ها و نظامات حکومتی و رویه قضایی ملی مورد تعریف یا جرح و تعدیل قرار می گیرد. در بهره برداری از میادین مشترک نفت و گاز نیز در ادبیات حقوقی یک سری اصول و قواعد همواره مورد اشاره و استناد قرار می گیرند. اگرچه ارزش حقوقی این قواعد همواره یکسان نمی باشند و حتی می توان در حقوقی بودن برخی از آنها تردید کرد، ولی عدم اطلاع از آنها می تواند درک سایر مسائل مربوط به این قضیه را با دشواری مواجه سازد. در این بخش به پاره ای از این قواعد اشاره مختصری صورت می گیرد. همچنین، به لحاظ درک بیشتر موضوعات بخشهای بعدی مروری بر تعاریف و مفاهیم مربوط به قرارداد های نفتی نیز انجام خواهد گرفت.

بند اول: قواعد و اصول بهره برداری از منابع نفتی

در این بند قواعد حقوقی ناظر بر بهره برداری از میادین نفت و گاز که عمدتاً منبعث از نظامهای حقوقی داخلی هستند مورد بررسی قرار می گیرد. این اصول و قواعد به تدریج در حقوق بین الملل نیز جایگاه خود را باز یافته و برخی از آنها در تنظیم موافقت نامه های دو جانبه، رویه قضایی بین المللی و دکترین مورد توجه قرار گرفته اند.

الف) قاعده حیازت^۱

قاعده حیازت در حقوق داخلی ایران از مصدر حاز به معنی بدست آوردن و در اصطلاح مطابق ماده ۱۴۶ قانون مدنی ایران تصرف و وضع ید یا مهیا کردن تصرف و استیلا می باشد.^۱

حیازت اشیاء مباح، به اعتبار طبیعت اشیاء متفاوت بوده و مثلاً در مروارید بدست آوردن صدف، در علف و شاخه، بریدن و چیدن آن و در آب رودخانه وارد ساختن آن در نهر یا حوض متعلق به خود می باشد.^۲ معادن چنانچه در اراضی موات و مباح قرار داشته باشند، از نظر قانون مدنی، همانند دیگر اراضی هر کس اراضی مذکور را حیازت نماید مالک معدن خواهد بود. بنابراین در معادن سطح الارضی که نیازی به عملیات حفاری ندارند، هر کس به هر میزان از آنها بهره برداری نماید آن مقدار را حیازت نموده و مابقی مباح باقی می ماند. حیازت معادن تحت الارضی به صورت عملیات حفاری صورت می پذیرد و کسی که از طریق حفاری از این معادن بهره برداری نماید، درواقع آنها را حیازت کرده است.^۳ مبنای این حکم قانونگذار مواد ۳۸ و ۱۶۱ قانون مدنی می باشد.^۴ لازم به توضیح است که این حکم قانون مدنی در واقع نوعی تعریف قاعده بنیادین می باشد. مطابق اصل چهارم و پنج قانون اساسی و قانون معادن و قانون نفت، مالکیت بر مبنای زیرزمینی از جمله معادن نفتی متعلق به دولت بوده و اشخاص نمی توانند مالک منابع معدنی شوند. در ادامه توضیحات بیشتری در این خصوص بیان خواهد شد. قاعده حیازت در حقوق عرفی (کامن لا) به معانی موسع و مضیق به کار رفته است. در مفهوم مضیق، بیشتر ناظر بر مبحث صید حیوانات وحشی بوده و بر مبنای آن، فردی که بر حیوانات بدون مالک، مسلط می شود، حق کشتن یا به دام انداختن آنها را داشته و دارای حقوق مکتسبه می گردد. در مفهوم موسع به این معناست که شخصی که بر هرگونه منابع طبیعی عمومی و مشترک دست می یابد، به اندازه تسلط خود بر آن و یا انتقال این منابع به محل مالکیت اختصاصی خود، دارای حقوق مالکانه و مکتسبه می گردد. علاوه بر این، در معنای وسیع تر، این قاعده حاکی از آن است که نخستین استفاده کننده از منابع طبیعی، خواه از

۱- امامی، سید حسن، حقوق مدنی، تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۸۵ ص ۱۴۵- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۱ ص ۲۵۳.

۲- امامی، پیشین، ص ۱۴۵.

۳- همان، ص ۱۵۱.

۴- ماده ۳۸ قانون مدنی می گوید «مالکیت زمین مستلزم مالکیت فضای مجازی آن است تا هر کجا بالا رود و همچنین است نسبت به زیرزمین و بالجمله مالک، حق هرگونه تصرف در هوا و قرارداد مگر آنچه قانون استثناء کرده باشد» و مطابق ماده ۱۶۱ قانون مذکور «معدنی که در زمین کسی واقع شده باشد ملک صاحب زمین است...».

طریق استفاده معمولی و طبیعی و خواه به شکل ورود به ذخایر طبیعی (زیرزمینی) مالک آن منبع محسوب می شود و این امر یک قاعده عمومی مالکیت و یکی از اسباب تملک محسوب می شود.^۱

(ب) اصل تبعیت یا مالکیت فضا و قرار^۲

مطابق این اصل، مالک زمین مالک کلیه فضای مافوق آن و همچنین مالک قسمتهای تحتانی آن در قعر و هسته زمین می باشد.^۳ در ابتدای توسعه صنعت نفت در ایالات متحده، این اصل درخصوص مالکیت بر ذخایر نفتی به تبع مالکیت بر زمین کاربرد فراوان داشت. به طور کلی، در حقوق آمریکا دو نظریه در مورد مالکیت نفت و گاز وجود دارد؛ نظریه مالکیت مطلق^۴، ناظر بر این معناست که مالکیت این دو کالا، به تبع مالکیت بر زمین حاصل شده و مالک زمین، مالک نفت و گاز زیر زمین نیز خواهد بود. در مقابل طبق نظریه عدم مالکیت^۵، مالکیت مالک زمین، منوط به حفاری و تسلط عملی بر نفت و گاز است.^۶ برخلاف بسیاری از کشورهای جهان، در ایالات متحده، مالکیت خصوصی بر ذخایر نفت و گاز امری مقبول بوده و یک قاعده تلقی می گردد و فقط سی درصد از مالکیت بر این منابع در اختیار دولت فدرال قرار دارد.^۷ از اینرو پذیرش هر یک از این نظریات نقش حیاتی در صنعت نفت و گاز این کشور دارد. با گذشت زمان نواقص این اصل هویدا گردید. زیرا کاربرد آن معطوف به میادین سخت همانند معادن فلزات بوده و در صورت اعمال آن بر منابع معدنی سیال همانند نفت

۱- John Scott Johnston, The Rule of Capture and the Economic Dynamic of Natural Resource Use and Survival under Open Access Management Regime, Research paper NO.۰۶-۰۹. University of Pennsylvania, law school, Environmental law, vol ۳۵-۲۰۰۵, P.۸۵۶.

۲- Ad Coelum Doctrine (cujus est solum, ejus est usque ad coelum et ad inferos).

۳- این اصل را اصل از بهشت تا دوزخ (Heaven to Hell) و اصل فرش تا عرش نیز نامیده میشود (کاشانی منابع مشترک نفت و گاز از منظر حقوق بین الملل، ص ۷۰).

۴- Absolute Ownership Theory

۵- Non Ownership Theory

۶- Buce M. Kramer and Owen L. Anderson, opcit, p.۸۹۹.

۷- John S. Lowe. op.cit.P.۸.

موجب تعارض در مالکیت افراد می گردد. از اینرو به مرور زمان جای خود را به اصولی چون حیازت (با محدودیت های خاص آن) و نظریه حقوق به هم پیوسته داد.^۱ در ماده ۳۸ قانون مدنی ایران نیز این اصل مورد پذیرش قرار گرفته است اگرچه اشاره خاصی به مالکیت بر منابع به تبع مالکیت بر زمین نگردیده اما می توان از اطلاق عبارات «نسبت به زیرزمین» و «حق همه گونه تصرف در هوا و قرار» چنین مفهومی را از آن استنباط نمود.

ج) قاعده حقوق به هم پیوسته^۲

این نظریه در دعوی معروف Ellif V. texon drilling co در سال ۱۹۸۴ توسط دادگاه ایالتی تگزاس توضیح داده شد. و در واقع یکی از محدودیتهای قاعده حیازت است. شرکت تکسون دارای چاههای نفت متعددی بود که در اثر غفلت، یکی از چاههای نفت آن طعمه حریق شد و خساراتی به مقادیری نفت و گاز متعلق به شرکت «الیف» که در مجاورت آن مشغول بهره برداری بود وارد نمود. در هنگام طرح دعوی مطالبه خسارت از سوی شرکت الیف، شرکت تکسون به قاعده حیازت استناد نمود ولی دادگاه بر مبنای دکترین حقوق به هم پیوسته، دفاع وی را مردود دانست. به نظر دادگاه، مالکی که مبادرت به استخراج نفت و گاز می کند، موظف به اعمال این حق بدون سهل انگاری و یا ایراد خسارت به دیگران می باشد. هریک از مالکان مشترک حق دارد در مقابل خسارت ناشی از سهل انگاری و مسامحه دیگران حفاظت گردد.^۳ مبنای این دیدگاه، توجه به سهم منصفانه است. بدین ترتیب که هر مالک به نحوی بهره برداری از مخزن مشترک کند که متناسب با نفت و گازی باشد که در زیر زمین متعلق به وی قرار دارد و هر عملی که باعث هدر رفتن منابع مخزن مشترک باشد ممنوع است.^۴ اگرچه منطق این نظریه نیز همان منطق قاعده حیازت می باشد، اما باید در نظر داشت که قاعده حیازت، اصلی اجتماعی است که به منظور فراهم نمودن امکان بهره مندی جامعه از منابع طبیعی و مزایای توسعه منابع انرژی طراحی شده و توسط حقوق نهادینه گردیده است. در عین

^۱ - کاشانی، پیشین ص، ۷۱-۷۰.

^۲ - Doctrine of Correlative Rights.

^۳ - John S.Lowe.op.cit.P.۱۶.

^۴ -Jacqueline Lang Weaver and David F.Asmus, opcit.p۱۲.

حال، هر فعالیتی که با این هدف ناسازگار باشد تحت شمول این اصل قرار نگرفته و حمایت نمی گردد.

چ) مالکیت مشاع یا مشترک^۱

در نظام حقوقی کا من لا بالاخص در حقوق ایالات متحده آمریکا مالکیت مشترک بر ذخایر نفت و گاز یک قاعده و نه یک استثناء است، چرا که، مالکیت حقوق در این گستره غالباً اشتراکی می باشد.^۲ اگر چه این نوع مالکیت تحت عنوان اشاعه^۳ و شراکت و نه کندومینوم بررسی می شود. به طور کلی در حقوق ایالات متحده سه نوع اشتراک در حقوق وجود دارد که عبارتند از:^۴

۱) اشتراک معمولی^۵ که در آن مالکین مشترک دارای منافع جداگانه ولی غیر قابل تقسیم در مال می باشند. اگر چه سهم هر یک مشخص است ولی معلوم نیست کدام بخش معین از مال متعلق به کدامیک است. به عبارت دیگر هر یک دارای سهم مشخص ولی غیر مفروز می باشند. ۲) انتفاع مشترک^۶ که در آن هر مالک، در کل مال مالکیت دارد ولی مالکیت وی مشروط به نظارت سایر شرکاء می باشد و با نظارت و رضایت مابقی شرکاء، یک شریک می تواند از منافع کل مال بر خوردار شود.

۳) اشتراک به وسیله تمامیت^۷ این نوع اشتراک بیشتر در اموال زن وشوهر مصداق دارد که تا زمانی که رابطه زوجیت باقی است هر دوی آنها به مثابه فرد واحد در تمام مال مالکیت دارند و در واقع همانند شخصیت حقوقی واحد هستند و هیچ یک از آنها مادام که رابطه مذکور باقی است حق انتفاع مستقل و انفرادی از مال را ندارند.

^۱ - Conde mina

^۲ - John S. Lowe. op. cit. ۸۶.

^۳ - Tenancy.

^۴ - John S. Lowe, op. cit, pp. ۸۶-۸۷.

^۵ - Tenancy in Common.

^۶ - Joint Tenancy.

^۷ - Tenancy by the Entirety.

ح) اصل کار آمدی^۱

این اصل که یک اصل عملی و نه اصل حقوقی است، ناظر بر حداکثر بهره برداری از مخازن می باشد و مطابق آن بهره برداری حداکثری می بایست به شکلی صورت پذیرد که ویژگی های فیزیکی و ابعاد علمی و زمین شناسی آن نیز مد نظر قرار گیرد. چنین رویکردی مستلزم آن است بهره برداری از مخزن به شکل کیفی و مناسب صورت پذیرد^۲ به سخن دیگر بهره برداری از مخزن بدون توجه به مختصات زمین شناسی و داده های علمی و تکیه صرف به کمیت تولید مواد هیدروکربنی از مخازن با اصل کار آمدی منافات خواهد داشت.

خ) اصل یک پارچگی مخزن^۳

از آنجا که مخازن نفت و گاز به شکل توأم تحت فشار زمین، آب و گاز هستند، استخراج نفت و گاز در یک نقطه شرایط کل مخزن را تحت تأثیر قرار می دهد. بنابراین چنانچه یک دولت در منطقه اختصاصی تحت حاکمیت خود مبادرت به استخراج نفت یا گاز نماید، این اقدام شرایط بهره برداری کل مخزن را تحت تأثیر خود قرار می دهد^۴. مطالعه موافقت نامه های توسعه مشترک و یکی سازی و همچنین شرط مخزن مشترک در موافقت نامه های تحدید حدود دریایی حاکی از آن است که رویه دولتها متمایل به لحاظ کردن این اصل در بهره برداری از این منابع می باشند به نحوی که استناد به اصل حاکمیت و بهره برداری نامحدود و یک جانبه از این منابع مهار شود. به عبارت دیگر توسعه مشترک و یکی سازی مکانیزم هایی هستند که بوسیله آن یک پارچگی مخزن تضمین می شود^۵. این اصل به وسیله ژیدل^۶ به عنوان وسیله جهت حل مشکل مربوط به حوزه های نفت فرامرزی و مشترک بین

^۱ - The Efficiency Principle.

^۲ - Bitrus Joseph Bulama, cross-Border Unitisation: What Options Are There for States if no Agreement be Reached, Research Paper, Center for Energy, Petroleum and Mineral Law and Policy, University of Dundee, ۲۰۰۷, p. ۶.

^۳ - Unity of Deposits.

^۴ - Rainer Lagoni, Oil and Gas Deposits across National Frontiers, P. ۲۱۶.

^۵ - William.T. Ono rato, Apportionment of An International Common Petroleum Deposit, p. ۳۲۵.

^۶ - G. Gidel.

کشورها معرفی شده و بر مبنای آن از یک سو بر حق ذاتی کشورها در اکتشاف و استخراج چنین میادینی تکیه می شود و از سوی دیگر یک پارچگی این مخازن حفظ و از بهره برداری یک جانبه و در نتیجه ناکارآمدی آنها کاسته می گردد و به تبع آن مدل هایی چون یک پارچه سازی و توسعه مشترک طراحی و اجرا می گردد.^۱ البته از دیدگاه برخی از حقوقدانان، با توجه به اینکه اصل یکپارچگی مخزن نشأت گرفته از نظریه سهم منصفانه در رژیم حقوقی رودخانه های مرزی و کانالهاست، دلیلی وجود ندارد که نظریه سهم منصفانه که حاکی از این است که منافع مشروع دولتهای ذیربط باید در مقابل یکدیگر مطابق شرایط و اوضاع و احوال هر مورد متوازن باشد، در مورد منابع مشترک نفت و گاز نیز اعمال شود.^۲ صرف وجود قواعد و هنجارهای حقوقی به شکل انتزاعی و تئوریک نمی تواند چارچوب مناسبی برای بهره برداری از این منابع باشد. اگرچه این قواعد و اصول می تواند انگیزه ای برای ممانعت از اقدامات یک جانبه بازیگران دولتی و غیردولتی باشد. به عبارت دیگر، خواه منابع نفت و گاز میان دولت ها مشترک باشد و خواه میان اشخاص حقیقی و حقوقی، بهره برداری از آنها با ملحوظ قرار دادن اصول فوق الذکر، مستلزم نیل به توافق است. چنین توافقی در سطح دولت ها به شکل انعقاد معاهده و میان اشخاص حقیقی و حقوقی به صورت قرارداد متجلی می شود.

بند دوم: نگاهی اجمالی بر کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای راستای بهره برداری از منابع نفتی در مناطق دریایی

کنوانسیون ۱۹۸۲ در مقایسه با کنوانسیون ژنو حاوی مقررات تفصیلی با قابلیت اعمال بیشتری نسبت به موضوع میادین مشترک نفت و گاز است.^۳ مطابق بندهای ۱ و ۲ و ۴ ماده ۷۷ این کنوانسیون منابع غیرجاندار از جمله منابع نفت و گاز واقع در فلات قاره تحت حاکمیت دولت ساحلی بوده و این دولت از حقوق حاکمه نسبت به آنها به صورت ذاتی و انحصاری برخوردار است. همچنین، دولت ساحلی مطابق مواد ۵۵ تا ۵۸ و ماده ۷۶ کنوانسیون مذکور، دارای حقوق

^۱ - David.M.Ong, The New Timor Sea Arrangement ۲۰۰۱: Is Joint Development Of Common Offshore Oil and Gas Deposits Mandated Under International Law. opcit p۸۴.

^۲ - کاشانی، منابع مشترک از منظر حقوق بین الملل، ص ۶۰.

^۳ - رک: کاشانی، منابع مشترک نفت و گاز از منظر حقوق بین الملل، صص ۱۱۷-۱۱۲.

حاکمه جهت اکتشاف و بهره برداری و حفاظت و مدیریت منابع غیر زنده در بستر و زیر بستر منطقه انحصاری بوده و در واقع همان حقوق مصرح دولت ساحلی جهت بهره برداری از منابع طبیعی در فلات قاره، در منطقه انحصاری اقتصادی وجود دارد. بنابراین مشاهده می شود که کنوانسیون ۱۹۸۲ نیز برای کلیه دولتهای ساحلی، حق حاکمیت و بهره برداری از منابع طبیعی از قبیل نفت و گاز در محدوده فلات قاره و منطقه انحصاری را به رسمیت می شناسد. تا جایی که به میادین مشترک مربوط می شود، این حق حاکمیت دو طرفه است. یعنی اینکه هر دو دولت ذی نفع در چنین میادینی دارای حقوق مذکور می باشند. از اینرو در صورت حدوث اختلاف در مورد حدود میادین موجود در بستر و زیر بستر دریا در فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی وفق مواد ۸۳ و ۷۴ کنوانسیون، تحدید حدود این مناطق و تعیین سهم هریک از دول دارای سواحل مجاور یا مقابل می بایست با توافق آنها بر اساس حقوق بین الملل به نحو مقرر در ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری انجام می گیرد تا راه حل عادلانه حاصل شود. علاوه بر آن، مواد ۷۴ و ۸۳ کنوانسیون که حاوی حکم مشابهی است و مقرر میدارد که طرفین «مادام که به توافق نهایی دست نیافته اند، با تفاهم و همکاری می بایست هر گونه تلاشی را برای اتخاذ تدابیر موقت که دارای ماهیت عملی می باشد. برای دوره مشخص به کار گیرند به گونه ای اقدام کنند که توافق نهایی آنها دچار مخاطره نشود. چنین ترتیبات موقتی خدشه ای به تحدید حدود نهایی وارد نمی سازد.» این مواد دو وظیفه سلبی و ایجابی را بر دولتها تا زمان حصول توافق در تحدید حدود نهایی تحمیل می کند؛ نخست، اتخاذ تدابیر و راهکارهای موقت و کاربردی در پرتو تفاهم و همکاری و دوم پرهیز از هر اقدامی که باعث خدشه به روند حصول توافق نهایی شود. آنچنانکه در رأی داوری گویان - سورینام ذکر خواهد شد، اقداماتی از قبیل انعقاد موافقت نامه توسعه مشترک می تواند یکی از اشکال تدابیر موقت باشد و خودداری از اقدامات اکتشافی منجر به تغییر دائمی در محیط نیز می تواند یکی از مصادیق تعهد سلبی به خودداری از اقدامات یک جانبه قلمداد گردد.^۱ این ترتیبات می بایست در پرتو همکاری و حسن تفاهم اتخاذ شوند و رفتار دولتها نباید به گونه ای باشد که

^۱ - Dominic Roughton, The Rights and Wrongs of Capture : International Law and the Implication of the Guy an / Suriname Arbitration , Research Paper , Herbert Smith , ۲۰۰۸.p.۱۰.

حصول توافق نهایی آنان در نیل به توافق نهایی را به خطر اندازد. این مواد کنوانسیون، از دیدگاه برخی از محققان، اساس و مبنای انعقاد بسیاری از موافقت نامه های یکی سازی و توسعه مشترک میادین نفت و گاز در مناطق مورد اختلاف می باشد.^۱ مطابق مواد مذکور، هر گونه اقدامی از قبیل اکتشاف و بهره برداری یک جانبه از میادین مشترک که باعث مخاطره افتادن توافق نهایی طرفین شود، ممنوع و مغایر این مقررات است. در عین حال ماهیت و محتوای این ترتیبات موقت مبهم و غیر مشخص می باشد. اگرچه بر اساس مقررات مذکور، اصل، لزوم همکاری طرفین اختلاف است، ولی محتوا و حدود و ثغور این اصل و این الزام مبهم می باشد. مطابق ماده ۳۰۰ کنوانسیون مذاکرات مربوط به ترتیبات موقت بایستی با حسن نیت انجام شود به نحوی که سوء استفاده از حق نگردد. این تعهد به مذاکره با حسن نیت به عنوان یک اصل در حقوق بین الملل عمومی مورد قبول قرار گرفته است.^۲

بخش سوم: بررسی قواعد حقوق بین الملل در خصوص بهره برداری از میادین مشترک نفتی دریاها

تردیدی وجود ندارد که بخش عظیمی از میادین نفت و گاز در مناطق دریایی واقع شده و بخشی از این منابع در اطراف مرزهای بین المللی یا مناطق مورد اختلاف قرار گرفته است. حقوق بین الملل حق حاکمیت دولتها بر منابع طبیعی بستر و زیر بستر دریا در فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی به رسمیت شناخته است. این حق حداقل در مورد فلات قاره، انحصاری و ذاتی بوده و از آنجا که فلات قاره تداوم طبیعی سرزمین دولتها می باشد، داخل در مفهوم حاکمیت می باشد و به جرأت می توان ادعا کرد که خصیصه عرفی پیدا نموده است. قطعنامه های متعدد مجمع عمومی سازمان ملل متحد و مقررات کنوانسیون فلات قاره و کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها و رویه قضایی تبلور این اصل عرفی می باشند. در صورت عبور میادین نفت و گاز از مرزهای دریایی یا وجود این میادین در مناطق اختلافی، با توجه به طبیعت سیال این مواد و شرایط زمین شناختی حاکم بر آنها، استناد یک دولت به حق حاکمیت

^۱ - David. M.Ong, 'joint Development of Common Offshore Oil and Gas Deposits'.... , opcit.p.۷۸۳.

^۲ - ibid p.۷۸۴.

و بهره برداری یک جانبه از آنها با حفظ یک پارچگی مخزن منافات داشته و موجب نقض حاکمیت کشور ذی نفع دیگر در مخزن می باشد. از اینرو حقوق به عنوان حافظ نظم می بایست در صدد تدارک چاره ای برای حل این مشکل باشد. کشورهای مناطقی از جهان در پرتو روابط دو جانبه و به منظور حفظ حداکثر بهره وری از مخازن مذکور سازوکارهایی را طراحی کرده اند. این سازوکارها شامل انعقاد موافقت نامه های تحدید حدود و تعیین تکلیف این میادین در آن و در مواردی که مذاکرات تحدید حدود قرین موفقیت نبوده، انعقاد موافقت نامه های توسعه مشترک بوده است. موافقت نامه های توسعه مشترک به عنوان یک راه حل موقت در خصوص میادین واقع در مناطق مورد اختلاف حاکمیت در نقاط مختلف پذیرفته شده اند. علاوه بر آن در مناطق دارای مرزهای جغرافیایی مشخص، موافقت نامه های یکی سازی و شرط مخزن مشترک در معاهدات تحدید حدود دریایی، تجلی تعهد به همکاری است. مطالعه معاهدات دو جانبه، قطعنامه های مجمع عمومی سازمان ملل متحد، کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، رویه قضایی، دکترین و اصول حقوق بین الملل ما را به این نتیجه رهنمون می سازد که امروزه در حقوق بین الملل یک اصل کلی عرفی مبنی بر همکاری در خصوص بهره برداری از میادین مشترک وجود دارد. این اصل بوسیله دولتهای تولید کننده نفت و سیستم حقوقی داخلی آنها به کار رفته و به عنوان یک اصل کلی حقوق بین الملل به رسمیت شناخته شده است.^۱ این اصل کلی حقوقی در کلیت خود شامل تعهد به همکاری در نیل به توافق جهت بهره برداری از این مخازن و خودداری متقابل از بهره برداری یک جانبه از میادین تا زمان حصول توافق می باشد.^۲ اگرچه توسعه مشترک و یکی سازی دو مصداق و مؤلفه از مصادیق و مؤلفه های اصل همکاری می باشند، اما این اصل لزوماً به معنی این دو مصداق نبوده و عرفی بودن اصل همکاری به مفهوم عرفی بودن این مصادیق نمی باشد. گرچه با مطالعه منابع حقوق بین الملل می توان دریافت که اصل همکاری اصلی شکلی و ناظر به مذاکره با حسن نیت جهت نیل به توافق بوده و ماهیت و گستره آن دارای ابهام است اما با مطالعه معاهدات چند

^۱ - David.M.Ong. Joint Development of Offshore Oil and Gas Mere State Practice or International Customary Law, op.cit.p.۸۰۱.

^۲ - ibid.p.۸۰۲.

جانبه و دو جانبه و رویه قضایی و قطعنامه های مجمع عمومی می توان عناصر زیر را در قالب و چارچوب اصل همکاری استخراج کرد^۱:

- به دلیل عدم کاربرد قاعده حیات در حقوق بین الملل، عمل یک جانبه در استخراج نفت و گاز در یک طرف خط مرزی توسط یک دولت به جهت نقض حاکمیت دولت دیگر ممنوع است.

- اقدامات اکتشافی که باعث خدشه به روند توافق نهایی شود به صورت یک جانبه توسط یکی از طرفین ممنوع است و بایستی مسبوق به مشاوره و اطلاع رسانی قبلی باشد.

- در صورت کشف میادین مشترک در مناطق دارای تحدید حدود یا کشف میادین در مناطق مورد اختلاف هریک از طرفین می بایست موضوع را به طرف دیگر اطلاع داده و در مورد بهره برداری از آن با دیگری مشورت نماید.

- هر دولت ملزم است با طرف مقابل به شکل واقعی با حسن نیت برای حصول توافق در مورد بهره برداری از این میادین مذاکره کنند مادام که مذاکره منجر به نتیجه نرسیده است عمل یک جانبه ممنوع است.

- بهره برداری از میادین مشترک نفت و گاز منوط به تحدید حدود نبوده و طرفین یک اختلاف مرزی دریایی، در صورت عضویت در کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، باید در قالب سازوکارهای موقت در جهت نیل به توافق مذاکره کنند.

- لازم است هریک از دولتها در محدوده صلاحیت ملی خود به گونه ای رفتار کنند که باعث ورود آسیب های زیست محیطی در قلمرو دولت دیگر نشود. به عبارت دیگر بهره برداری از این میادین می بایست با لحاظ کردن الزامات زیست محیطی بوده و طرفین در این زمینه مشورت نمایند^۲.

- اگرچه هر دولت دارای حاکمیت بر سرزمین خود و حقوق حاکمه بر منابع فلات قاره است، اما این حق ورای مرزهای سرزمینی آن تسری نمی یابد. بنابراین هرگونه اقدام در جهت صدور

^۱ - ibid. pp. ۸۰۲-۸۰۴.

^۲ - William.T. Onorato, Apportionment of an International Common Petroleum Deposit, op.cit, pp. ۳۲۹-۳۳۰.

مجاز بهره برداری از میادین مشترک که باعث بهره مندی شرکت های بهره بردار از سهم سایر دولتها شود، نقض حاکمیت و تمامیت ارضی آنها محسوب و موجب مسئولیت است.

- بهره برداری از میادین مشترک نفت و گاز صرفاً بر مبنای توافق دو جانبه امکانپذیر است و رویه دولتها به شکل گسترده و منسجم و هماهنگ به نحوی که حکایت از وجود یک قاعده عرفی همکاری در اکتشاف این منابع باشد وجود دارد.^۱

- علاوه بر آنکه نظام منابع حقوق بین الملل به شکل عام مؤید قاعده عرفی همکاری است، حقوق بین الملل محیط زیست به طور خاص نیز این قاعده را مورد پذیرش قرار داده و الزاماتی را برای دولتها در نظر گرفته است.

- بهره برداری یک جانبه از میادین مشترک نفت و گاز علاوه بر آنکه خلاف مقررات منشور ملل متحد در زمینه و احترام به حق حاکمیت دولتها و ضرورت همکاری و همگرایی در جهت حل و فصل اختلافات بوده و موجب مسئولیت بین المللی است از جهت نقض قواعد قراردادی خاص و قاعده عرفی همکاری نیز متضمن مسئولیت بوده و بر مبنای اصول حقوقی ناظر به مسئولیت بین المللی دولت نیز موجب التزام دولت ناقض این تعهدات به جبران خسارت و اجتناب از عمل نادرست بین المللی است. مسئولیت حقوقی بین المللی تکلیفی است که به موجب حقوق بین الملل به یک دولت تحمیل می گردد تا خسارتی را که در نتیجه نقض قواعد بین الملل به دولت دیگر وارد کرده، جبران نماید.^۲

نتیجه گیری

در جمع بندی و نتیجه گیری پایانی مقاله حاضر باید گفت یکی از بنیان های قاعده عرفی در حقوق بین الملل دریاها لزوم همکاری کشورها با یکدیگر می باشد و آنچنان که در گزارش مخبر ویژه کمیسیون حقوق بین الملل در مورد منابع طبیعی مشترک آمده است، برخی از اصول و قواعد حاکم در مورد آبهای زیرزمینی مشترک در مورد میادین نفت و گاز مشترک نیز می توانند اعمال شود. بنابراین در بهره برداری از میادین مشترک نفت و گاز یک دولت

^۱ - Lagoni, Oil and Gas Deposits across National Frontiers, op.cit.p.۲۳۳.

^۲ - فیوضی، رضا، مسئولیت بین المللی و نظریه حمایت سیاسی اتباع، جلد اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ

نمی تواند به استناد به حق حاکمیت خود و حق مالکیت خود بر منابع طبیعی به گونه ای از میادین نفت و گاز استفاده کنند که موجب ورود آسیب و زیان به منافع سایر دولتها شود و ضمن آن که ملزم به پیشگیری از چنین اقداماتی است متعهد به جبران نیز می باشد. زیرا یکی از نتایج مسئولیت، جبران و جلوگیری از تداوم نقض تعهد است. البته در صورت وجود موافقت نامه میان دو کشور آسیب رسان و آسیب دیده و ذکر موضوع در آن، بر اساس موافقت نامه در خصوص نوع صدمات و نحوه جبران و ضمانت اجراها اقدام خواهد شد. در غیر اینصورت قاعده مذکور یک اصل بنیادین را بیان می کند و اتخاذ تصمیم در خصوص نحوه جبران منوط به توافق دولتهای ذیربط یا تصمیم مراجع حل و فصل اختلافات بین المللی خواهد بود. قاعده مذکور به خودی خود ضابطه ای را در زمینه میزان زیان وارده ارائه نمی دهد اما با مراجعه به رویه قضایی از آرای که به آنها اشاره شد می توان به عنوان یک معیار، مسأله تغییر دائمی در محیط و یا هرگونه اقدامی را که در راه نیل به توافق نهایی در خصوص تحدید حدود مناطق دریایی مورد اختلاف اختلال ایجاد کند، مدنظر قرار داد. بنابراین می توان چنین گفت در صورتیکه مرزهای دریایی دو کشور تحدید حدود شده باشد، اقدام یک دولت در بهره برداری از میادین نفت و گاز مشترک در یک طرف مرز، که باعث زیان به منافع دولت دیگر در بخش دیگر از میدان شود مصداق قاعده سوء استفاده از حق است. ولی در مواردی که مرز دریایی تحدید نشده باشد، لکن طرفین در خصوص بهره برداری از میادین در مناطق اختلافی توافق کرده باشند، اقدام یک طرف در آسیب به منافع دیگری به استناد به حقوق مکتسبه مقرر در موافقت نامه بهره برداری نیز دارای وضعیت مشابه با حالت قبل می باشد. اما در مواردی که مناطق اختلافی تحدید حدود نشده و توافقی در زمینه بهره برداری از منابع نفت و گاز مشترک نیز حاصل نشده باشد، الزام به عدم انجام چنین اقداماتی نیز از نه باب عمل به قاعده منع سوء استفاده از حق بلکه در قالب مواد ۷۳ و ۸۳ کنوانسیون حقوق دریاها و نقض قاعده عرفی همکاری قابل تحلیل است. دلیل این امر آن است قاعده « منع سوء استفاده از حق » و « منع سوء استفاده از مال » ناظر به مواردی است که حق دولت زیان دهنده محقق و تثبیت شده باشد. به عبارت دیگر آن دولت، در سرزمین خود به نحوی استفاده کند که باعث آسیب به دولت دیگر شود. حال آنکه در مورد مناطق اختلافی چنین نبوده و حاکمیت

سرزمینی هر دو دولت مورد اختلاف و مناقشه است. در نهایت باید اذعان داشت هر چند کمیسیون حقوق بین الملل به دلیل ملاحظات از قبیل ماهیت ویژه و خاص این موضوع، وجود ویژگیهای منحصر به فرد در هر مورد، فقدان حساسیت جهانی، پیچیدگی فنی مسائل نفت و گاز، ارتباط با مسئله تحدید حدود دریایی، حساسیت سیاسی و... مطالعه این موضوع را از دستور کار خود خارج کرده است، اما این به مفهوم فقدان قواعد حقوقی در این زمینه نیست. در ایران نیز پژوهشهای ارزنده و قابل توجهی در این زمینه انجام پذیرفته است. به اجمال می توان گفت که چارچوب کلی حقوقی این مسئله در حقوق بین الملل تثبیت شده اگرچه هنوز ابهامات زیادی وجود دارد و قواعد تفصیلی ناظر به بحث به روشنی آشکار نشده است. مطالعه موافقت نامه های میان دولتها، رویه قضایی، دکترین، اصول کلی حقوقی و قطعنامه های مجمع عمومی سازمان ملل متحد و رویه دولتها دولتها مبین یک قاعده عرفی کلی مبنی بر همکاری، انجام مذاکره با حسن نیت و منع اقدام یک جانبه در صورت شکست مذاکرات است. همچنین، از مطالعه برخی رویه ها می توان به تعهداتی نظیر مشاوره و تبادل اطلاعات، همکاری های زیست محیطی و منع دولت ها از اقدامات مضر به منافع سایر دولت ها در محدوده حاکمیت خود، رهنمون شد. لکن نظریه غالب علمای حقوق بین الملل همان قاعده کلی همکاری است. به سخن دیگر، حاکمیت دولت ها بر منابع طبیعی خود در صورت تعارض با حاکمیت دولت های دیگر بر منابع خودشان، اطلاق خود را از دست داده و به نفع قاعده همکاری تخصیص می خورد.

منابع و مآخذ

الف) فارسی

- ۱- آقای، بهمن، ترجمه فرهنگ حقوقی بلک، تهران: گنج دانش، ۱۳۸۲.
- ۲- آقای، بهمن، مجموعه مقالات حقوق بین الملل دریاها و مسائل ایران، چاپ دوم، تهران: گنج دانش، ۱۳۸۴.
- ۳- ابراهیم زاده، کاوه، - زمانی، علی - قسامی پور، مهدی، اصول مهندسی حفاری، تهران: انتشارات صناعی شه میرزادی، بهار ۸۷.
- ۴- اشرف زاده، حمیدرضا، خادم سری مسعود، مجموعه آشنایی با تعاریف و اصطلاحات بازرگانی - اقتصادی، تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۷۴.
- ۵- اصغرزاده، عبدالله، آشنایی با تجارت متقابل، انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، تهران: ۱۳۷۴.
- ۶- افشارحرب، عباس، زمین شناسی نفت، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۴.
- ۷- امامی، سید حسن، حقوق مدنی، تهران: کتابفروشی اسلامی، ۱۳۸۵.
- ۸- امیری قائم مقام مقامی، عبدالمجید، حقوق تعهدات، جلد دوم، چاپ دوم انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۶.
- ۹- امیر معینی، مهران - حاجی میرزائی، سید محمد علی، رژیم های مالی در صنعت نفت، نظام مالی دولت و شرکت ملی نفت ایران، تهران: مؤسسه مطالعات بین المللی انرژی، چاپ اول، ۱۳۸۳.
- ۱۰- امینی، علیرضا، مسائل سیاسی - اقتصادی نفت ایران، تهران: انتشارات خط سوم، ۱۳۸۳.
- ۱۱- امینی، علیرضا - موسوی، میرطیب، نفت، سیاست و اقتصاد، تهران: نشر خط سوم، ۱۳۷۹.
- ۱۲- انصاری، ولی الله، کلیات حقوق قراردادهای اداری، تهران: نشر حقوقدان، چاپ اول ۱۳۷۷.
- ۱۳- اهری، حسین، قراردادهای نفتی با قیمت و درآمد نفت، تهران: چاپخانه کاویان، ۱۳۴۹.
- ۱۴ - تدینی، عباس، حقوق استخراج نفت از دریاها، تهران، مجد ۱۳۸۱.

- ۱۵- جرج لنچافسکی، نفت و دولت در خاورمیانه، ترجمه علینقی عالیخانی، تهران: نشر اقبال، ۱۳۴۲.
- ۱۶- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران: گنج دانش، ۱۳۸۱.
- ۱۷- جهان دیده، محمد علی، اقتصاد نفت و تورم جهانی، تهران: سبحان، ۱۳۵۷.
- ۱۸- حسن بیگی، ابوالفضل، نفت، بای یک و منافع ملی، تهران: انتشارات آوای نور، ۱۳۸۱.
- ۱۹- حلمی، نصرت اله، مسئولیت بین المللی و حمایت سیاسی، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۷.
- ۲۰- رابرت بلدسو- بوسچک، فرهنگ حقوق بین الملل، ترجمه دکتر بهمن آقایی، تهران: گنج دانش، ۱۳۷۵.
- ۲۱- رایین چرچیل، آلن لو، حقوق بین الملل دریاها، ترجمه دکتر بهمن آقایی، تهران: گنج دانش، ۱۳۸۳.
- ۲۲- رزاقی، ابراهیم، اسناد خیانت یا قراردادهای نفتی، تهران: چاپ روزبهان، ۱۳۵۸.
- ۲۳- روحانی، فؤاد، تاریخ ملی شدن نفت ایران، تهران، شرکت سهامی کتاب های جیبی، ۱۳۵۲.
- ۲۴- دریاباری وشتانی، سیدمحمد زمان و بکی حسکوئی، مرتضی؛ سیر یکصدساله صنعت نفت ایران، تحولات حقوقی و اقتصادی، تهران: نشر یزدا، ۱۳۸۷.
- ۲۵- دهقان، فتح الله، بررسی نفت و گاز در حوزه دریای خزر و تاثیر آنبر امنیت کشور و نظام جمهوری اسلامی، تهران: انتشارات همه، ۱۳۸۲.
- ۲۶- ذو العین، پرویز، مبانی حقوق بین الملل عمومی، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، وزارت امور خارجه، ۱۳۸۳.
- ۲۷- ذوقی، ایرج، نفت ایران، تهران: شرکت انتشاراتی پاژنگ، ۱۳۷۶. ۲۸- سادات میدانی، سید حسن، دادرسی های بین المللی دیوان بین المللی دادگستری، ادله اثبات دعوی، چاپ اول، تهران: نشر جنگل، ۱۳۸۸.
- ۲۹- سحابی، فریدون، زمین شناسی نفت، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ ششم، ۱۳۸۶.
- ۳۰- شرکت ملی نفت ایران، تاریخچه و قراردادهای نفتی ایران، تهران: انتشارات شرکت ملی نفت ایران، ۱۳۴۴.

۳۱- صفدری، محمد، حقوق بین الملل عمومی، جلد یک انتشارات دانشگاه تهران، تهران: ۱۳۴۶ ص ۱۶۷.

۳۲- عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، دوره سه جلدی، جلد سوم، انتشارات امیرکبیر، تهران: ۱۳۶۵.

۳۳- کاتوزیان ناصر، حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها، جلد اول-چاپ اول، تهران: انتشارات بهش، ۱۳۴۶.

۳۴- کاشانی، جواد، منابع نفت و گاز مشترک از منظر حقوق بین الملل، تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۹.

۳۵- کاشانی، سید صادق، توسعه میادین نفت و گاز: ساختارها و رویکردهای اجرای پروژه، تهران: مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸.

(ب) مقالات

۱- آذرپور، حسن، نفت خلیج فارس، قابل دسترسی در سایت www.Javanemrooz.com، تاریخ ۲۹ مهر ۸۸.

۲- اخلاقی، بهروز، بهینه سازی قراردادهای بیع متقابل در صنعت نفت ایران، مجله پژوهشهای حقوقی، شماره ۱۳، سال ۱۳۸۷، ص ۱۶.

۳- اسرافیلی دیزجی، مخازن نفتی و گازی مشترک ایران با کشورهای همسایه در حوزه زاگرس www.Naftnews.ir.

۴- افشارنیک، مهدی، فرصت را غنیمت بشماریم، ضرورت تسریع در توسعه میادین مشترک نفت و گاز کشور، هفته نامه تخصصی فروش نفت www.Daneshnaft.ir.

۵- انبار لوئی، محمد صادق، لزوم اهتزاز پرچم ایران بر فراز سکوی نفت و گاز مبارک، آدرس www.Tabnak.com، ۸۹/۱/۱۴.

۶- پور کاظمی، محمد، منابع دریای خزر و کنوانسیون محیط زیست، دو فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، سال اول شماره ۱، زمستان و بهار ۷-۱۳۸۶، ص ۲.

- ۷- جالینوسی، احمد- براری آرایبی، وحید، جزایر سه گانه ابوموسی تنب بزرگ و کوچک بخش های جدا ناشدنی از ایران، ماهنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی شماره ۲۴۴-۲۴۳، آذرودی ۱۳۸۶، ص ۵۰.
- ۸- خدمتی، بهبود، طرح توسعه فازهای ۹ و ۱۰ پارس جنوبی، نشریه تخصص-فنی اکتشاف و تولید، شرکت ملی نفت ایران، شماره ۵۹، مرداد ۱۳۸۸
- ۹- دانشفر، محمدحسین، نگاهی به مدیریت و صیانت از مخازن نفت و گاز در کشور، پایگاه اینترنتی اندیشکده اعتلای صنعت نفت به نشانی www.Pina.ir
- ۱۰- خرازی، رها، الگوی اعتمادسازی برای استفاده از منابع مشترک، پایگاه اینترنتی www.Assaluyeh.com
- ۱۱- دخانی، وحید، وضعیت بهره برداری قطر از میدان گازی پارس جنوبی، پایگاه خبری تحلیلی اراده مردم، www.Erademardom.com ۲۸ اردی بهشت ۱۳۸۸..
- ۱۲- دمیرچلی لو، مجتبی، نگاه ایرانی به سیر تحولات رژیم حقوقی دریای خزر، دو فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، سال اول، شماره ۱، زمستان و بهار ۷-۱۳۸۶، ص ۲۳.
- ۱۳- راستی، احمدرضا، رئیس مجتمع نفتی سلمان، پایگاه خبری وزارت نفت www.Shana.ir، تاریخ اول خردادماه سال ۱۳۸۹
- ۱۴- سلیمی بروجنی، مجید، جایگاه میادین مشترک نفت و گاز در برنامه های وزارت نفت، پایگاه اینترنتی www.Daneshnaft.ir.
- ۱۵- صابر، محمدرضا، مطالعه تطبیقی ماهیت حقوقی قراردادهای بیع متقابل و جایگاه قانونی آن، مجله حقوقی، دفتر خدمات حقوقی بین المللی، شماره ۳۷، پاییز و زمستان ۱۳۸۶، صص ۲۷۵-۲۷۶
- ۱۶- صحرا نورد، اسدالله، تاملی بر بیع متقابل در قراردادهای نفتی ایران، مجله پژوهشهای حقوقی، شماره ۲، سال ۱۳۸۲، صص ۱۰۴
- ۱۷- عرفانی، محمود، مشارکت تجاری بین المللی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۳ دی ماه ۷۲، ص ۶۳.

۱۸- غیبی، رضا، کاهش روز افزون سهم ایران در میدان گازی سلمان، روزنامه سرمایه، پنجشنبه ۱۰ اردی بهشت سال ۱۳۸۸. پایگاه اینترنتی روزنامه سرمایه

www.Sarmayeh.net

۱۹- فردرس، آلفرد، اصول کلی حقوق بین الملل در نظام منابع حقوق بین الملل عمومی، ترجمه اردشیر امیرارجمند، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۱۷-۱۶، پاییز تا بهار ۷۵، صص ۳۵۸-۳۴۱.

۲۰- فطرس، محمد حسین، معبودی، رضا، وابستگی نفتی و تقاضای نفت، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۵۰-۲۴۹ ص ۱۶۴.

۲۱- کاشانی، جواد، وضعیت حقوقی منابع نفت و گاز در مرز بین کشورها، مجله حقوقی، دفتر خدمات حقوقی بین المللی، شماره ۳۹، تهران: ۱۳۸۷.

۲۲- کسمتی، زهرا، قواعد حقوق بین الملل درخصوص توسعه مخازن نفتی مرزی مشترک، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و یک شماره دوم، تهران: تابستان ۱۳۸۶. صص ۳۸۷-۳۸۶.

۲۳- ممتاز، جمشید، کنوانسیون چارچوب تهران در خصوص حمایت از محیط زیست دریای خزر، ترجمه معصومه سیف افجه ای، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۵.

۲۴- ممتاز، جمشید، نظام حقوقی منابع آب آبراههای بین المللی خاورمیانه، مجله حقوقی. دفتر خدمات حقوقی بین المللی، شماره هجدهم و نوزدهم، تهران ۷۴-۱۳۷۳، ص ۸۳.

۲۵- موسوی، سید رسول، آینده دریای خزر، فصل نامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۶۵، بهار ۱۳۸۸، ص ۲.

۲۶- مولائی، یوسف، دریای کاسپین و حاکمیت ایران، بولتن مرکز مطالعات عالی بین المللی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، سال دوم، شماره سوم، ۱۳۸۱

(ج) پایان نامه ها

۱- بابایی، مجتبی، رژیم بهره برداری از منابع نفت و گاز فلات قاره، رساله دکتری، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۹

۲- عالم دوست، فریبا، بررسی قراردادهای نفتی ایران در ده سال اخیر از حیث منافع و حاکمیت دولت ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، زمستان ۱۳۸۷.

چ) منابع لاتین

- ۱- Bindemann, Kirsten, *Production Sharing Agreement: An Economic Analysis*, Oxford Institute for Energy Studies ۲۰۱۸.
- ۲-Bowett, D.W., *State Contract with Aliens*, the Clarendon Press, Oxford, ۱۹۸۹.
- ۳- Choon – Ho Park, *East Asia and the Law of the Sea*, Seoul National University Press, ۲۰۱۷.
- ۴- Dehghani, Reza, *Continental Shelf Delimitation in the Persian Gulf*, Research Paper, the United Nation-Nippon Foundation Fellowship Programme- Max Planck Institute, ۲۰۰۸-۲۰۰۹.
- ۵- H.fox, *Joint Development of Offshore Oil and Gas*, British Institute of International and Comparative Law, London, , vol, ۱. ۲۰۱۹.
- ۶- Ian Brownlie, *principles of international law*, fifth edition, Clarendon press. Oxford, ۱۹۹۸.
- ۷- Ian Tounsand- Gault and William Stormont, *offshore petroleum joint development arrangement: Functional instruments? Compromise? Obligation? In the peaceful management of Trans-Boundary Resources* Geral Blake, ۲۰۱۱.
- ۸-John S. Lowe, *Oil and Gas Law in a nutshell*, West Nutshell Series, The United States, ۵ the edition, ۲۰۰۹.
- ۹- Johnston, Daniel, *International Exploration Economics, Risk and Contract Analysis*, Peen well, Oklahoma, ۲۰۲۱.
- ۱۰-R.V. Prescott, *the Gulf of Thailand: Maritime Limits to Conflict and Cooperation*, Mima, Kulallumpour, Malaysia. ۲۰۱۶.
- ۱۱- Maks Kobon Baev, *Problems and Prospects of Caspian Oil and Gas Development in Constantine Khudoley*, Post – Communist

Countries in Search for Security and Stability, Saint- Petersburg State University Press, ۲۰۰۵.

۱۲- Mc Nair, *The law of Treaties*, Clarendon Press, oxford, ۱۹۸۶.

۱۳- Myron H. Horal Quist and Satya N. Nondan. *Shabtai Resenne, United Nation Convention on the law of the Sea*,, Martinus Nijhoff publisher, ۲۰۰۵.

۱۴- Oppenheim, L. *International Law* vol. ۱. ۸th-ed. Long mans, London, ۲۰۱۲.

۱۵-Peter Radan, *the Break-up of Yugoslavia and International Law*, New York.Rout Ledge, ۲۰۲۱.

۱۶- Rene-Jean Dupuy – Daniel Vignes, *A Hand book of The New Law of the sea*, Martinus Nijhoff Publisher, V. ۲, ۲۰۱۷.

۱۷- *Secondary Energy Info Book, The Need project*, Man Assas, V.A, ۲۰۰۸.

۱۸- *United State of America, Department of State, International Boundary Study*, and No. ۱۳.September ۱۵, ۱۹۷۰.

۱۹- U.S.Department of State, *International Boundary Study, Series A, Limit in the Sea*, No ۴۵. ۲۰۱۲.

۲۰- Zhao Liguó , *Seabed Petroleum in the East China Sea; Geological Prospects and Search for Cooperation* ,China National Offshore Oil Cooperation, ۲۰۱۸.

۲۱- Z. GAO, *International Petroleum Contracts: Current Trend and New Directions*. ۱۹۹۴. Graham. Tortman / Martinus Nijhoff, ۱۹۹۴.

۲۲- Cesare P.R.Romano, *the Caspian Sea Dispute: the Role of International law*, Dundee Law Journal, Article ۱۰, ۲۰۱۴.

۲۳- Charles N.Brower and John B.Tepe, Jr., the Charter of Economic Rights and Duties of States: A Reflection or Rejection of International Law?, ۹ International Law Journal, ۱۹۷۵.

۲۴-Chidinma Bernadine Okafor, Joint Development: An Alternative Legal Approach to Oil and Gas Exploration in the Nigeria-Cameroon Maritime Boundary Dispute?, International Journal of Marine and Coastal Law, Vol. ۲۱, NO. ۴, ۲۰۱۵

۲۵- Christain Ule and Alexander Brexendroff, Iran investing in the oil and gas industry from a Business and legal perspective, available at: www.mena-Legal.com. ۲۰۰۵.

۲۶-- Christopher.M.Flyn, A Board Framework For The Exploration Of South China Sea Hydrocarbon Deposits In The Context of the Trans-Asian Gas Pipeline, Melbourne journal of international law, vol ۵, ۲۰۱۹.

۲۷- David Enriquez, Trans Boundary Oil and Gas Reservoirs an the Law of the Sea the Us-Mexico, Maritime and Transport Law Committee Newsletter, June ۲۰۱۸.